



مادام حاجی عباس
نامادری ناصر الدین شاه

(و ۶۰ داستان دیگر ...)

مگرد آوری و تألیف

محمد تقی خواجہ پور

بہار ۱۳۹۳

سرمشناسه	:	خواجه پور، محمدتقی، ۱۳۱۴ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	:	مادام حاجی عباس نامادری ناصرالدین شاه (و ۶۰ داستان دیگر...)/
مشخصات نشر	:	تهران: آوای دانش گستر، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۲۶۴ ص.
شابک	:	۱۰۰۰۰۰ ریال: ۸-۱۹-۶۹۷۶-۶۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبیا
موضوع	:	داستان‌های کوتاه فارسی - مجموعه‌ها
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۳ م ۲ ن ۹ خ/ PIR ۴۲۲۷
رده بندی دیویی	:	۸۱۴۲۰۸ ف ۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۴۵۱۴۸۵

وب سایت و فروشگاه اینترنتی: www.avayce.ir

کتابخانه دیجیتال
انتشارات آوای دانش گستر

نام کتاب:	مادام حاجی عباس نامادری ناصرالدین شاه
گردآوری و تألیف	محمدتقی خواجه پور
نوبت و سال چاپ:	اول - ۱۳۹۳
ناشر:	آوای دانش گستر
خروفتیشی و صفحه‌آرایی:	معصومه غانی
طراح:	حامد سالکی
لینوگرافی:	مهرشاد
چاپ و صحافی:	کهنمونی زاده
مدیر اجرایی و ناظر چاپ:	مجتبی سوری
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۷۶-۱۹-۸
قیمت:	۱۰۰۰۰ تومان

انتشارات آوای دانش گستر

تهران، روپروی دانشگاه تهران، بین خ ۱۲ فروردین و فخر رازی، ساختمان طروفچی، پلاک ۱۲۹۶، طبقه دوم
واحد پنج، تلفن: ۶۶۴۹۲۹۳۴ - ۶۶۴۸۳۰۳

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است و هرگونه تکثیر به هر شکل
بدون اجازه مؤلف و ناشر ممنوع می باشد و پیگرد قانونی دارد.

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه مؤلف
۱۵.....	احضار ملکه به نام قانون
۱۷.....	احمد شاه و دختر پادشاه عثمانی
۲۱.....	اخلاق، عادات و جزئیات زندگی پیغمبر اسلام (ص)
۲۵.....	«آدم پینه دوز»
۳۱.....	از کارهای سگ
۳۵.....	اشخاص خوش بین و بدبین اجتماع را بشناسید
۳۸.....	آش‌های مقدس
۴۱.....	اندروز بیسمارک به ناصرالدین شاه
۴۳.....	اول ماه در ایران
۴۷.....	ای پول
۴۹.....	به طرز گلستان مصاحبه با یکی از وکلا
۵۱.....	پس چه چیزتان به محمد می‌ماند
۵۳.....	پنج خاطره از پنج شاعر و نویسنده
۵۹.....	پولیور سبز
۶۳.....	تاریخچه روضه‌خوانی و روضه‌خوان‌های مشهور ایران
۶۸.....	تفریحات دیکتاتورها، یا بازی با جان و ناموس مردم
۷۰.....	جالب‌ترین گزارش درباره اخراج انگلیسی‌ها
۷۵.....	چگونه به مردم بگوییم نه!
۷۹.....	چگونه لغزش با پوست پرتقال وسیله شد
۷۹.....	که با ولیعهد اتریش عروسی کنم
۸۴.....	چمدان‌های در بسته شاه ایران در پاریس
۸۶.....	چهارشنبه سوری و مراسم جالب آن
۹۰.....	حاجی فیروزه سالی یک روزه
۹۴.....	حسین بن منصور حلاج و چگونگی قتل او

۱۰۲	حمام رفتن ایرانیان قدیم و خرافه‌های آن
۱۱۰	خاطرات مظفرالدین شاه از زبان خودش
۱۱۴	خدا را چگونه بشناسیم
۱۲۰	خواص فیزیکی و شیمیایی اسکناس
۱۲۲	دختر مدرسه و داستان سعدی
۱۲۸	دستخط شاه باید به مهر امیر برسد
۱۳۲	دیوانگی‌های مشاهیر
۱۳۵	روزنامه‌نویس و شاه
۱۳۷	زایمان در ایران قدیم و خرافه‌های آن
۱۴۳	زن‌ها را بشناسید
۱۴۵	سرگذشت قاضی و کنیز و مرد غریب
۱۵۰	سیزده به در
۱۵۴	شاه عباس و شیر فروش
۱۵۸	شریف الملک یا شریک الملک
۱۶۰	ظالم‌تر از همه
۱۶۳	عجایب زندگی هم‌زادان
۱۶۸	عجایب تقدیر
۱۷۱	عجایب زندگی انیشتین در آمریکا
۱۷۶	عجایب شنیدنی از کلاغ
۱۷۹	عسل ناگوار
۱۸۲	عشق یزید و مبحث محلل در فقه
۱۸۸	عقاید ایرانیان درباره خروس
۱۹۰	فداکاری عجیب یک مادر
۱۹۲	کارهای بچه‌گانه ناصرالدین شاه
۱۹۷	کسی که نان گدایی خورد
۱۹۹	ما به عشق مردن زنده‌ایم
۲۰۳	مادام حاجی عباس

- ۲۱۵.....مجلس در صدر مشروطیت
- ۲۲۰.....محاکمه دو دزد و وزیر و حمال
- ۲۲۳.....معجزه و شاه عباس
- ۲۲۶.....مناجات ساده یک فرد دهاتی
- ۲۲۸.....نادر شاه افشار و گلرخ
- ۲۳۲.....ناصرالدین شاه در کلیسای وین
- ۲۳۴.....نامه فتحعلی شاه به سفیر خود در اسلامبول
- ۲۳۶.....نان سنگک و چگونگی پیدایش آن
- ۲۳۹.....نوروز
- ۲۴۲.....نوروز در زمان ناصرالدین شاه تماشایی بود
- ۲۴۷.....وقایع شوم در تاج گذاری پادشاهان انگلیس
- ۲۵۴.....یادی از ماه رمضان (۶ سال پیش از سال ۱۳۳۲)
- ۲۶۰.....یک بازجویی عجیب
- ۲۶۵.....یک حادثه شنیدنی: کودکی که از خطر مادرش نجات یافته

می‌گویند آرامش درونی زمانی حاصل می‌شود که در لحظه حاضر و برای این لحظه زندگی کنیم بدون توجه به این که دیروز یا سال‌های گذشته چه اتفاقی افتاده است. ولی من پیشنهاد می‌کنم بیاییم از گذشته برای حال زندگی کنیم و از حال چنان استفاده کنیم که زندگی آینده خود را بهتر از بهتر بسازیم چون زندگی در حال به آن معنی نیست که وابستگی‌های عاطفی گذشته را به یاد فراموشی سپرده اصل و نسب و اعقاب خود را هم به‌طور کلی از یاد ببریم و از گذشته‌های پر افتخار و وقایع افتخار آفرین دوران با عظمت گذشته چشم پوشیده و قلم بطلان بر روی آن‌ها بکشیم.

ایرانیان از گذشته‌های دور علیرغم هزاران رفورم و آسیب‌ها که در اثر هجوم اقوام مختلف به ایران و ایرانی وارد شده باز هم با قدرت و ایمان به سوابق پر افتخار به شکوفایی خود ادامه داده‌اند.

این سنت‌ها و رسوم بزرگ‌ترین مایه انبساط خاطر و همبستگی کشور و ملتی بزرگ به نام ایران و ایرانی بوده و می‌باشد. چنین سنت‌ها و مراسمی سرمایه درخشان یک تمدن قدیمی و آثار رخشندای از هویت ملی است. رسوم و سنن ملی مثل هنر از جمله وسایلی است که به واسطه آن فرهنگ و آداب که نشانه‌ای از تاریخ تمدن کشور دارد به خارج از مرز رسوخ داده و در جریده فرهنگ جهانی ثبت خواهد شد و البته هر قدر این آداب و سنن پر معناتر و پر نشاطتر و عزتمندانه‌تر باشد به همان اندازه نفوذ و احاطه‌اش در گستره جهانی بیشتر خواهد بود. جامعه‌ای که می‌خواهد زنده و پا برجا بماند اولین چیزی که به آن نیاز دارد شادی و نشاط و خود باوری است اگر این فاکتورها از ملتی گرفته شود آن ملت حیات و پویایی خود را از دست داده و محال است که بویی از زندگی سالم و پویا به مشامش برسد لذا برای

دمیدن روح انسانی به مردم جامعه با حفظ و گسترش سنت‌های خود و اجرای مراسم و جشن‌هایی چون نوروز، چهارشنبه سوری و سیزده به در، ترتیبی دهیم تا این مراسم با بهترین کیفیت برگزار شود و اجازه ندهیم مراسم و سنن گذشتگان که همه آن‌ها ریشه در اصالت قرون و دوران گذشته داشته‌اند فراموش شود.

آشنایی با خط و سیر و نمودارهای زندگی و به‌طور کلی نحوه زندگی گذشتگان و حلاوتی که آن‌ها از انجام مراسم متداوله برخوردار می‌شدند بیشتر جنبه فولکلور داشته زیبا و دوست داشتنی است، پس چطور می‌توانیم نوروز باستانی که بیش از پنج هزار سال در زندگی و آداب و رسوم ایرانیان ریشه دوانده به یاد فراموشی سپاریم. اگر گفته‌اند یا می‌گویند در حال زندگی کنیم به این معنی نیست که بر جشن‌های ملی میهنی خط قرمز کشیده و یادی از آن‌ها نکنیم. زندگی در زمان حال یعنی بسط آگاهی در جهت دستیابی به شادی و دلپذیر کردن زمان حال است ولی دستوری برای فراموش کردن شاهنامه و داستان‌های شاهنامه و بایمردی و افتخار آفرینی بزرگان و پیشکسوتان تاریخ چند هزار ساله این مرز بوم نیست. روزهای زیبا و شفاف‌آور دوران گذشته را مرور کنید تا این حقیقت را بپذیرید که مردمی که تهی از خاطرات هستند فاقد تاریخ و بی‌خبر از پیشینه تاریخی خود هستند و مردمی که گذشته ندارند به منزله مردمی مرده و فاقد حیات به حساب می‌آیند، کسانی که در سنن و مراسم و رفتار پیشینیان با دیده باز می‌نگرند متوجه می‌شوند که پیشینیان چقدر با گذشته خود عجین بوده‌اند ما در این کتاب از حال صحبت نمی‌کنیم ولی داستان‌ها و قصص‌های آن با امروز هیچ تباینی ندارد.

سخنان نغز و شیرین و داستان‌هایی که ارتباط با نیکویی و دور از بدی‌ها دارد. حد و مرز زمانی ندارند و شامل مرور زمان نمی‌شوند و هر زمان شنیده یا خوانده شود تازگی دارد. خواندن این داستان‌ها و سرگذشت‌ها خود می‌تواند پلی باشد بین زندگی امروز ما و زندگی پدران ما در دیروز و مسایلی که آن

انسان‌های پاک طینت و بی‌آلایش و ساده دل با آن‌ها دلخوش بوده و همیشه برای انجام آن مراسم قلبشان به تپش می‌افتاد قابل اغماض و چشم‌پوشی نیستند، لذا ما امروز از رسم و رسومی صحبت می‌کنیم که در زمان نه چندان دور گذشتگان ما اعمال می‌کردند و به انجام آن‌ها اعتقاد داشتند.

از سنت‌ها و رسوم شنیدنی و شیرینی صحبت می‌کنیم که در بیش از صدها سال پیش تاکنون در بین مردمان ما رایج و متداول بوده و اجرا می‌کردند، سنت‌هایی مثل مراسم مخصوص زمان زایمان، مراسم حمام رفتن زانو و مسئله جن و پری و آل، جشن نوروز در حضور شاهان و شاهزادگان، حاجی فیروز و اعمال مخصوص آن‌ها در حضور شاهان قاجاریه، مراسم چهارشنبه سوری، آیین برگزاری نوروز باستانی در بین اقشار مردم، آیین و مراسم سیزده بدر، اعمال و مراسم مخصوص در ایام ماه مبارک رمضان مربوط به شصت سال قبل از سال ۱۳۲۱، تاریخچه روضه‌خوانی و روضه‌خوانان مشهور، خاطرات بزرگان و شاهان قاجار، مادام حاجی عباس نامادری ناصرالدین شاه و مشاور مهد علیا، شاه عباس و کشتن دو قلاده شیرهای سلطنتی به وسیله جوان ارمنی، نان سنگک و تاریخچه ابداع آن در زمان شاه عباس، داستان‌های زیبا و خواندنی، شوخی‌های با مزه، قضاوت‌های جالب و شنیدنی، قصص قرآن کریم، اشتباهات حکام و بزرگان، عجایب زندگی بزرگان و حتی پرندگان مثل کلاغ، قضاوت عجیب یک شیخ عرب و پیدا کردن دزد، وقایع تاریخی و خیلی مسایل با مزه و شنیدنی که در آن زمان اتفاق افتاده که در این مجموعه گردآوری شده تا جوانان و نسل‌های آتی بدانند که آب‌اء و اجداد آن‌ها به چه اعتقادات و رسومی پایبند بوده‌اند.

ملتی که از ثمرات گذشته خود خبری نداشته باشد خیال می‌کند که تمام این مسائل حوادثی پیش پا افتاده و متروک است. اما این مجموعه ذکر گذشته‌های شیرین زندگی اجداد و گذشتگان ماست. نوروز واقعه زیبا و خوشایندی است که بین طبیعت، احساسات و جامعه پیوند مشترکی دارد. نوروز مربوط به قرون گذشته و تاج افتخاری است که بر تارک همه جشن‌های

جهانی می‌درخشد. نوروز شادمانی زمین و آسمان و آفتاب و جشن شکوفایی
غنچه‌ها و زنده شدن طبیعت و فرا رسیدن و آغاز زندگی دوباره طبیعت است.
نوروز یک قرار داد مصنوعی و یا یک جشن تحمیلی نیست جشن، جشن
بانندگی طبیعت، زمین، دشت و دمن است.

سفره هفت سین خود مکتبی است آموزنده از زبان اقلام تشکیل دهنده
سفره که به ترتیب با ما سخن می‌گویند:

سنجد سین اول، سمبل سنجش و سنجیده اقدام کردن. سنجد را با این
اعتقاد در سفره می‌چینند تا هر کس با خود پیمان ببندد که از اول سال
هر کاری را سنجیده انجام دهد.

دومین سین که بر سفره نهاده می‌شود سیب است که نماد صحت و
سلامت جامعه است.

سومین سین که قدم میمون خود در سفره می‌گذارد سبزه است. سبزه
سمبل از خود گذشتگی و ایثار است.

ایثار و از خود گذشتگی از درخت آموز که سایه خود را از سر هیزم شکن
بر نمی‌دارد.

سبزی نمونه نشاط و خرمی و شادابی است. سبزی با خود شادابی و
سرزندگی می‌آورد و گذاردن آن بر سفره اعلام سرسبزی، خرمی و
خوش‌رویی در سال نو خواهد بود.

چهارمین سین، سمنو است و سمبل قدرت و مبارزه با ضعف است انسان
در کشمکش زندگی باید قوی و پر انرژی باشد تا بتواند با مشکلات زندگی
مبارزه کند این معجون که از جوانه گندم پخته می‌شود با این که به هیچ وجه
از شکر و شیرینی‌های مصنوعی در آن به کار برده نمی‌شود خود شیرین و
گوار است.

پنجمین سین، سیر است. سیر اخطار دهنده و آگاهنده است و اعلام
کننده. سیر نماد و نشانه مناعت طبع است؛ یعنی به انسان هشدار می‌دهد که
همواره با قناعت به جهان و جهانیان بنگر لذا سیر که نشانی قناعت و اعلام

کننده عدم تجاوز به حقوق دیگران است بر سفره هفت سین می‌گذاریم تا انسانی عاقل، سالم، شاداب و قوی و قانع باشیم.

ششمین سین، سرکه است. سرکه نشان پذیرش ناملایمات نماد رضا و تسلیم در برابر اراده خداست. همه ما در زندگانی روزمره خود طعم سختی‌ها و ناملایمات چشیده‌ایم و می‌دانیم همیشه در جام ما شیرینی و نشاط و خوشی‌ها را نمی‌ریزند هر آسایشی یا رنجی همراه است پس سرکه را بر سفره می‌نهییم تا رضا و تسلیم را سرلوحه امور خود قرار دهیم.

هفتمین سین، سماق است که سمبل صبر و امید است.

«گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی»

آخرین سین، سفره ما سماق است که مظهر صبر و امیدواری است. صبر یکی از عواملی است که می‌تواند شخصیت و روح آدمی را بارور سازد و پلکانی برای صعود و ترقی او باشد.

با دقت در موارد فوق در می‌یابیم که سفره هفت سین و انتخاب هر سین آن، که فلسفه یک زندگی متعادل و آرام را بیان می‌کند و به ما می‌آموزد که چنان کن و چنین مباش و تاکید می‌کند که به تمام معنا انسان باش. خوب این یادگاری از گذشته است. زیبا نیست؟

چهارشنبه سوری، «واژه» چهارشنبه سوری از دو واژه «چهارشنبه» که یکی از روزهای هفته است و دیگری واژه «سوری» به معنای گل سرخ و سرخی و اشاره‌ای به سرخی آتش دارد.

در آخرین چهارشنبه پایان سال (سه شنبه شب) با افروختن آتش همه حاضران از پیر، جوان و کودک از روی آن پریده و با ادای حمله زردی من از تو، سرخی تو از من) که بنا به اقوال قدما این بیان نشانگر مراسمی برای پاک‌سازی روح و جسم می‌باشد و از شعله‌های آتش می‌خواهند که ناپاکی‌ها و زردی روی و بیماری‌ها و مشکلاتشان با روی سرخ و زیبای آتش معاوضه و سالی سراسر از سلامتی و شادی به او هدیه کنند. چهارشنبه سوری از سنن قدیم و از دیرباز در فرهنگ سنتی ما به جا مانده است در شاهنامه فردوسی

اشاره‌هایی از بزم‌های آخرین چهارشنبه نزدیک به نوروز یاد شده که گواه بر قدمت و باستانی بودن این مراسم زیباست.

سیزده به در، باستانیانی چنین معتقد بودند که جمشید شاه بانی نوروز و برگزارکننده مراسم نوروزی روز سیزده نوروز را در صحرای سرسبز و خرمی خیمه و خرگاه زده و ضمن برپا داشتن مجلس جشن و سرور بار عام داده و با مردم در این شادی سهیم و شریک می‌شد و چون در سال‌های متمادی چنین بزمی برپا می‌کرد این رسم پا بر جا و به یادگار مانده است.

این مراسم مثل سایر مراسم احتیاج به تحقیق و پژوهش فراوان دارد. روز سیزده فروردین (سیزده به در) از روزهایی است که حکایات و روایات زیادی در باره آن گفته و نوشته‌اند. مثلاً نحوست سیزده که در بعضی منابع آمده در فرهنگ باستانی ما روزی با عنوان نحس و بد یمن وجود ندارد بلکه این مسأله برای هیچ کس پوشیده نیست که نیاکان ما هر یک از روزهای هفته و ماه با نام‌های زیبا و در ارتباط با یکی از مظاهر طبیعت، یا ایزدان و نام بزرگان زرتشت نام‌گذاری شده و همین روز سیزده «تیر روز» نام دارد که نام به ستاره باران می‌باشد.

ما به همین اکتفا می‌کنیم که سیزدهمین روز نوروز روزی مقدس در نزد ایرانیان به‌شمار می‌رود که باید در مطلبی گسترده با پژوهش و تحقیق به رشته تحریر درآید. مراسمی که در این روز بیشتر انجام می‌دهند عبارت‌اند از: سیزه گره زدن- سیزه به آب انداختن- خوردن کاهو و سرکه- و آتش رسته. در مورد گره زدن سیزه می‌گویند: مربوط به فرزندان کیومرث یعنی «مشیه و مشیانه» است که زرتشتیان معتقد هستند چون این دو ازدواج کردند دو شاخه مورد را گره زدند و پایه ازدواج خود را مستحکم کردند و از آن زمان به بعد این رسم معمول شد. (از خواننده‌ها و نوشته‌ها بدون منبع موثق)

با اذعان به این‌که مطبوعات شالوده تاریخ است این جانب سعی داشته تمام این یادواره‌ها و مراسم با داستان‌های زیبا چه از قلم نویسندگان خارجی و به قلم شیوای نویسندگان و مترجمین آن روز (سال‌های ۱۳۲۰ به بعد) در

این مجموعه گردآوری و به سمع و نظر شما عزیزان آورده شاید مقبول افتد.
ضمناً تأکید می‌کنم که تمام مطلب‌ها مستنداً با ذکر منبع‌ها که در سال‌های
۱۳۲۱ شمسی خورشیدی به بعد در مجله خواندنی‌ها ثبت شده گلچین و به
روایت درآمده، به محضر خوانندگان معزز تقدیم می‌شود. از خدای متعال
خواستارم مورد قبول و عنایت شما قرار گیرد. در همین جا وعده می‌دهم که
جلد دوم و سوم آن با مطالبی شیرین تر که در دست نگارش می‌باشد و با
یاری خدا به زودی تقدیم حضورتان خواهد شد.

محمد تقی خواجه‌پور

۱۳۹۳